

معرفی نسخه طبّی «گلشن زیبا»

افسانه بنیادی الف. ب، هوشنگ خسرویگی الف*، جمشید نوروزی ج، معصومه محمودی د، رسول عربخانی الف

الف گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

ب گروه تاریخ علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

ج گروه تاریخ، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

د گروه آموزش عمومی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

چکیده

نسخ خطی به عنوان یکی از آثار ارزشمند فرهنگی- تاریخی، از عناصر اصلی هویت فرهنگی هر کشور و تمدنی محسوب می‌شوند که پرداختن به آن موجب غنای پیشینه فرهنگی، تاریخی و علمی خواهد شد. در همین راستا، پژوهش حاضر به معرفی و ارزیابی نسخه طبّی گلشن زیبا و سراینده آن، حلیمی آلاماسی، می‌پردازد. پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای و با بررسی متون انجام شد. ابتدا زندگی‌نامه حلیمی آلاماسی و آثارش با استفاده از منابع دست اول بررسی شد، سپس ساختار و محتوای نسخه طبّی گلشن زیبا استخراج گردید. حلیمی آلاماسی لغت‌شناس، فقیه و شاعر سده نهم هجری قمری در دوره عثمانی است. او نزد شرف‌الدین صابونچی اوغلو، رئیس دارالشفای آماسیه، پرورش یافت و تألیفاتی به زبان ترکی، عربی و فارسی نگاشت. او همچنین منظومه طبّی گلشن زیبا را به سلطان محمد فاتح تقدیم کرد. این اثر در یک مقدمه و دو دفتر سروده شده است. حلیمی آلاماسی در این اثر، از آرای پزشکان ایرانی چون علی بن عباس اهوازی، ابوالحسن الترنجی و نجیب‌الدین سمرقندی یاد کرده است. به نظر می‌رسد حلیمی آلاماسی برای سرایش این منظومه از دانش طبّی و ادبی لازم برخوردار بوده است.

تاریخ دریافت: دی ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: اردیبهشت ۱۴۰۲

کلیدواژه‌ها: تاریخ پزشکی، نسخه خطی پزشکی، امپراتوری عثمانی

مقدمه

نسخ خطی به عنوان یکی از آثار ارزشمند فرهنگی- تاریخی، از عناصر اصلی هویت فرهنگی هر کشور و تمدنی محسوب می‌شوند. این آثار مکتوب، حکم حلقه‌ای از زنجیره تمدن و فرهنگ را دارند که از دانشمندان پیشین و اهل ادب به ما رسیده و زمینه‌های نشر علم، فرهنگ و هنر را در سرتاسر ممالک اسلامی فراهم کرده است. آثار فرهنگی بیانگر هویت و اعتبار فرهنگی جامعه است که بی‌توجهی به آن به منزله چشم‌پوشی از زیربنای فرهنگی آن ملت است. ارتقای فرهنگ هر جامعه نیازمند شناخت آثار و میراث فرهنگی گذشتگان و برقراری ارتباط آگاهانه با آن آثار است. نسخ خطی فارسی و عربی، کارنامه دانشمندان بزرگ و نوابغ فکری عالم اسلام و هویت‌نامه مسلمانان جهان به‌ویژه ایرانیان است که در فراهم آوردن آن سهم ارزنده‌ای داشته‌اند (۱). زبان

فارسی در طول تاریخ با بهره‌مندی از غنای محتوایی و فصاحت و بلاغت خود مانند یک رسانه عمل کرده و توانسته است در حوزه‌های مختلف در جهان، نفوذ و گسترش یابد و فرهنگ ایرانی- اسلامی را ابلاغ کند (۲).

با روی کار آمدن دولت سلاجقه روم (نیمه دوم قرن ۵ هـ) شرایط برای انتقال موارث فکری و فرهنگی اسلامی به آناتولی مهیا شد و هویت اسلامی در این منطقه تجلی یافت. در سایه شکل‌گیری حیات سیاسی و اجتماعی مسلمانان در آناتولی، ایرانیان با راه‌اندازی نهادهای فرهنگی و علمی در قالب مؤسساتی برای استفاده همگان، در سطوح مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی منطقه در این دوره، حضور چشمگیر خود را نشان دادند و به رشد و پیشرفت فرهنگ آناتولی کمک کردند (۳). برخی از اطباء ایرانی که به عثمانی مهاجرت کردند مکتب پزشکی آن سرزمین را با فرهنگ

فارسی بارور کردند. اطباء مهاجر علاوه بر درمان به تدریس، تعلیم و تألیف آثار طبی نیز می‌پرداختند؛ ازجمله محمدبن کمال (د. ۹۳۰ هـ) معروف به اخی چلبی کتاب *الفوائد السلطانیة فی القواعد الطبیة*، مسعودبن حکیم‌الدین طبیب شیرازی (سده ۹ هـ) *دستور العامل فی وجع المفاصل* و حسام‌بن شمس‌الدین خطایی گیلانی (سده ۹ هـ) *رسالة تشخیصیه فی الطب* را تألیف کردند (۴).

این متون که در قالب نثر و گاه در قالب شعر تعلیمی ارائه می‌شد، بخشی از گنجینه‌ی متون طبی فارسی‌نگاشت جهان محسوب می‌شوند. شعر تعلیمی یکی از انواع چهارگانه‌ی شعر در ادبیات جهانی به‌شمار می‌آید که شامل اشعار غنایی، تمثیلی، حماسی و تعلیمی است (۵). شعر تعلیمی از لحاظ ویژگی‌های فنی با شعر برخاسته از احساس و خیال متفاوت بوده و قالب و محتوای آن علم است. نه عنصر خیال و عاطفه شعر را داراست و نه گستردگی و دقت علم را، اما این بدان معنی نیست که خالی از فایده است؛ زیرا اولین و اصلی‌ترین ویژگی آن، حفظ و نگهداری علوم از آفت فراموشی است (۶). یونانیان از قدیمی‌ترین اقوامی هستند که از شعر تعلیمی بهره برده‌اند. هزیود^۱، شاعر یونانی سده هشتم پیش از میلاد، اشعاری را در تاریخ خدایان و اخبارشان و انبازقلس^۲، فیلسوف یونانی سده پنجم قبل از میلاد، قواعد طب و حکمت طبیعی را سروده است. شعر تعلیمی به‌سبب رواج این نوع اشعار به روم انتقال یافت و ویرژیل^۳، شاعر رومی سده اول پیش از میلاد، منظومه‌ای را در باب زراعت سرود و آن را منظومه‌ی زراعت نامید (۷، ۸).

در ایران نیز برخی دانشمندان ازجمله پزشکان، به سرایش شعر تعلیمی پرداخته‌اند. ابن‌سینا به‌عنوان معلم و فیلسوفی بزرگ پس از تألیف *القانون فی الطب*، خلاصه‌ای از آن را با نام *ارجوزه فی الطب یا ألفیه*، در قالب شعر تعلیمی در بحر رجز، یکی از ساده‌ترین اوزان شعر عربی، با حجمی در حدود ۱۳۰ بیت برای طالبان علم پزشکی فراهم آورد که پس از کتاب *قانون* مهم‌ترین اثر پزشکی اوست (۹). ظاهراً قدیمی‌ترین منظومه‌ی طبی به زبان فارسی که به دست ما رسیده، *دانشنامه‌ی پزشکی حکیم میسری* است. این دانشنامه

مشمول بر ۴۴۸۱ بیت و به وزن «مفاعیلین مفاعیلین فعولن»، در بحر هزج مسدّس سروده شده است. سراینده با ستایش خدا، نفی جسم و نفی جوهر، منظومه را آغاز کرده و پس از بیان مقدمات طب به ذکر تعداد ۱۴۵ بیماری و روش درمان آنها پرداخته است (۱۰). عبدالکریم اعرج متخلص به عجزی در سده ۸ هـ منظومه‌ای با ۷۰۰۰ بیت در طب سروده که در آن پس از ذکر مقدمات به شرح ۱۳۵ بیماری و روش درمان آنها پرداخته است (۱۱). یکی دیگر از متون تعلیمی در حوزه طب، منظومه‌ی *گلشن زیبا* اثر لطف‌الله حلیمی الآماسی است که در این پژوهش به بررسی و ارزیابی این اثر می‌پردازیم.

پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای و مبتنی بر تحلیل محتوا انجام شده است. نسخه‌ای از این اثر در کتابخانه‌ی فاتح استانبول به شماره ۳۶۳۹ موجود است. در این پژوهش نویسندگان کوشیدند به شناسایی مؤلف و بررسی محتوایی نسخه‌ی طبی *گلشن زیبا* بپردازند. در این راستا، نسخه‌ی *گلشن زیبا* کتابخانه‌ی فاتح بررسی گردید و برای اطلاع از احوال مؤلف، به منابع مکتوب تاریخی و نیز بانک مقالات مرتبط رجوع شد.

احوال و آثار مؤلف

لطف‌الله‌بن‌یوسف حلیمی الآماسی لغت‌شناس، فقیه و شاعر ایرانی‌تبار اواخر سده ۹ هـ در عثمانی است. جدش عبدالحلیم اهل سیواس بود و خود حلیمی به‌احتمال بسیار در آماسیه^۴ به دنیا آمده و همان‌جا بزرگ شده است (۱۲، ۱۳). برخی منابع او را ایرانی و از ادیبان فاضل فارسی‌دان شمرده‌اند (۱۴). حلیمی در روزگار سلطان محمد فاتح (حک ۸۵۵ تا ۸۸۶ هـ) به استانبول رفت و صدراعظم محمود پاشا از او حمایت کرد (۱۳). او هنگام سلطنت محمد فاتح (حک ۸۵۵ تا ۸۸۶ هـ) مقام قضایی نواحی مختلف قلمرو عثمانی را داشت، اما وقتی به شاهزاده‌ی بایزید دوم توصیه کرد از معاشرانش، که او را به خمر و قمار و مواد مخدر سوق می‌دادند، پرهیز کند دوستان شاهزاده برای او دسیسه‌چیدند و او در ۸۷۷ هـ در توقات^۵ زندانی شد، اما پس از سه ماه، تبرئه و آزاد گردید (۱۳، ۱۵). آنگاه در قصیده‌ی تاقیه‌ای به عربی، موقوف را به اطلاع سلطان رساند و موجب تعقیب و

مجازات کسانی شد که ولیعهد را گمراه می‌کردند. حلیمی احتمالاً پس از جلوس بایزید دوم (حک ۸۶۶ تا ۹۱۸ ه.ق)، با تحریک و توطئه همان دشمنان قدیمی اعدام شد (۱۳، ۱۶). حلیمی نزد شرف‌الدین صابونچی اوغلو، رئیس دارالشفاى آماسیه، پرورش یافت (۱۵). او تألیفاتی به زبان ترکی، عربی و فارسی نگاشت. بحر الغرائب او معروف به قائمه، دوجلدی است که جلد نخست آن فرهنگ لغات فارسی به ترکی و جلد دوم آن در خصوص قواعد عروض و قافیه و بدیع و بیان است (۱۳، ۱۶، ۱۷). فرائض الحلیمی الرومی به عربی درباره قواعد ارث، قصیده تائیه به عربی، ترجمه فارسی قرآن، حاشیه الحلیمی علی الخیالی که حاشیه‌ای است بر حاشیه خیالی از شرح العقائد النسفیة سعدالدین تفتازانی در کلام اسلامی، مَصْرَحَاتُ الاسماء نوعی فرهنگ اسامی عربی با معادل‌های ترکی و گاهی فارسی است، تحفه مقدمه اللغة، فرهنگ منظوم فارسی به ترکی، مرآه الطیبین، رساله فی بیان قواعد المعما، رساله فی التجنیسات و التشبیها و المعجازات به ترکی، منظومه طبی گلشن زیبا از دیگر آثار اوست (۴، ۱۳، ۱۶). منظومه گلشن زیبا در یک مقدمه و دو دفتر به زبان فارسی سروده شده است.

نسخه اثر

نسخه طبی گلشن زیبا به شماره ۳۶۳۹ با عنوان «منظومه فی الطب» در کتابخانه فاتح ترکیه محفوظ است. نسخه در اندازه ۱۷×۵ سم، ۲۵۹ برگ، ۱۵ سطر در سال ۸۶۶ ه.ق به کتابت شرف‌الدین بن علی بن الحاج الیاس ملقب به صابونچی اوغلی^۶ تحریر یافته و به محمد فاتح تقدیم شده است (۴، ۱۸).

بررسی بسترها و زمینه‌های تولید اثر

فرهنگ ایرانی در آسیای صغیر ریشه کهن دوسه هزار ساله دارد. آسیای صغیر بیش از دو سده جزو استان‌های دولت هخامنشی بود که با نام مشخص «دوره پارس‌ها» در تاریخ شناخته می‌شود (۱۷). آغاز نفوذ واقعی فرهنگ ایرانی در سرزمین روم را از سال ۴۶۳ ه.ق برشمردند که رومانوس دیوجانس، قیصر روم شرقی، توسط آلب ارسلان در جنگ ملازگرد، شکست خورد (۱۷، ۱۹). با این پیروزی دروازه‌های آسیای صغیر به روی مسلمانان باز شد تا از هر گروه و

قومیتی به شهرها و دشت‌های حاصلخیز آن روی آورند و زندگی نوینی را در فضایی به مراتب مناسب‌تر تجربه کنند (۱۹). پس از استقرار سلجوقیان و امرای دست‌نشانده آنان در آسیای صغیر، زبان فارسی به تدریج زبان رایج آن سرزمین شد. در این دوره، محاوره در شهرهای مهم، نامه‌نویسی در دستگاه امیران، تدریس، تألیف، تصنیف و شاعری به زبان فارسی بود (۱۷، ۱۹). خاندان سلجوقی پیش از رسیدن به روم، در ایران با زبان و فرهنگ ایرانی خو گرفته و ایرانی شده بودند. از همان ابتدا، دیوانیان و کارگزاران آنها ایرانی بودند که به زبان فارسی می‌نگاشتند و علی‌رغم این‌که زبان عربی، زبان دینی و رسمی خلافت محسوب می‌شد برای رجال و عمال حکومت زبانی بیگانه بود. زبان ترکی قبایل، قابلیت لازم برای رفع نیازهای جامعه و دولت را نداشت و زبان رومی نیز زبان مغلوب و زبان کفار محسوب می‌شد (۱۷، ۲۰). به این ترتیب زبان فارسی تنها زبان مورد پذیرش سلجوقیان در آسیای صغیر شد. کمال‌الدین حبیش بن ابراهیم تفلیسی (د. ۵۵۹ یا ۵۷۹ ه.ق) از نخستین فارسی‌نویسان در دیار روم است. حدود ۳۰ اثر از حبیش تفلیسی شناخته شده یا به او منسوب است که بیشتر در دانش‌های پزشکی و شماری در علوم ادبی و لغوی و قرآنی، نجوم، کیمیا و علوم غریبه می‌باشند. حبیش کتاب کفایه الطب را در ۲۲۵ باب و در ۳ کتاب به فارسی برای قطب‌الدین ملک‌شاه (د. ح ۵۸۸ ه.ق) در ۵۵۰ ه.ق/۱۱۵۵م نگاشت (۱۷، ۲۱).

پس از تأسیس حکومت عثمانی و فتح استانبول (۸۵۷ ه.ق/۱۴۵۳م) به دست محمد فاتح، زبان فارسی همچنان زبان رسمی، زبان مکاتبه، تألیف، شعر و ادب بود. محمد فاتح خود از دوستداران زبان و فرهنگ ایرانی بود و اشعاری در تذکره‌های عثمانی به نام او آمده است. دربار محمد فاتح، مجمع شاعران و نویسندگان ایرانی بود. در این دوره آثار بسیاری به زبان فارسی تألیف شد (۱۷).

ساختار شکلی اثر

این اثر در یک مقدمه و دو دفتر سروده شده است. مقدمه در حد این صنعت و بیان موضوع و تاریخ سرایش آن در ۸۶۲ ه.ق است. دفتر نخستین از کتاب مشتمل بر سه باب

است: باب اول در طبیعیات، باب دوم در ضروریات و باب سوم در امراض و اسباب و اعراض. دفتر دوم در عمل مختار و مشتمل بر دو گفتار است. گفتار نخستین از دفتر عمل به شکل دو باب مفصل تنظیم شده است. باب اول اندر حفظ صحت، باب دوم اندر برء علت که حاوی دو اصل است؛ اصل اول تقسیم اقسام در سه قسم تنظیم شده است: فصل اول در بیماری‌های خاص از سر تا قدم، فصل دوم در بیماری‌های عام که عام‌الوقوع و فصل سوم در بیماری عام که خاص‌الوقوع است، اصل دوم در تدبیر کلی اندر علل است. گفتار دوم در کار دست است که مشتمل بر سه فصل است. فصل اول در کارهای دست اندر رگ‌ها، فصل دوم در کارهای دست اندر گوشت و فصل سوم در کارهای دست اندر استخوان.

ساختار محتوایی اثر

منظومه در قالب مثنوی در بحر رمل مسدس محذوف (بر وزن فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن) سروده شده و دربرگیرنده ۷۷۴۰ بیت است. منظومه با دو بیت زیر و عبارت «یا حفیظ یا کبیکج^۷ یا کبیکج» آغاز می‌شود:

دفتر لطف محمد خانی / گلشن خلد و بهشت ثانی
نظم دره‌هاست که در رشته اوست / محکمت حکم یونانی

به دنبال آن، سراینده در مناجات و تحمید، بیان اهمیت علم طب، علت نگارش و فارسی‌نگاری کتاب و در ستایش سلطان محمد فاتح، پادشاه عثمانی ابیاتی را سروده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ بِهِ نَسْتَعِينُ
إِنَّ مِنْ آثَارِ لُطْفِ اللَّهِ فِي مُعْظَمَاتِ الْأَمْرِ تَحْمِيداً يُقَى
حَمْدُكَ اللَّهُمَّ يَا مَنْ عَلَّمَا مَا يَخْصُ الْبَعْضُ مِنْ كَلِمَا
وَالسَّلَامُ الْمُسْتَمِرُّ الْأَعْتَرَا مِنْكَ يَا أَعْلَى عَلَى خَيْرِ الْوَرَى
مُصْطَفَى الرَّسُلِ الَّذِي قَدْ دَلَّنَا / ثُمَّ مِنْ نَجْوَدٍ جُودٍ عَلَّنَا
ثُمَّ اتَّبَاعاً عَلَى آلِهِ / وَالْأُولَى بِالْحِكْمَةِ الْأُولَى بِهِوَ

ابیاتی در باب اهمیت علم طب:

بعد از آن ای پاک‌دل نیکو گهر / بشنو این گفتار نغز و معتبر
کاصل حسن آراء نفس ناطقه / حلیه علمست ز آراء ثقه

لیک همچون علم طب اندر میان / نیست علم انفع و اشمل عیان
در خبر کاین علم ابدان آمده‌ست / معتلی بر علم ادیان آمده‌ست
علم اعلی و شریف و فرخ است / در نظر مانند شهر خلخ است
لیک خوبانش زمردن ناشزند / طالبان از ضبط ایشان عاجزند

ابیاتی در باب منابع و نام اثر:

لطف بگرفتم زالطاف سلف / برگزیدم از تصانیف خلف
نظم کردم درها را از کُتُب / گویا یوسف برون کردم ز حُب
ذهن نازک را ذخیره کردم / ضوء تنویر بصیره کردم
مرشد منهاج قانون شفاست / مجمع مختار اسباب صفاست
موجزست اما کتاب کامل است / حاوی اغراض و بر طب شامل است
باغ فردوس است پر خُور قصور / ار نمی‌بینی ز خود بین آن قصور
هست اندر فن طب چون معجزات / کیست کز انکار او یابد نجات
این که از لطف است لطف از بهر لطف / گلشن زیبا مصور شهر لطف
گفته شد لطف محمدخان به نام ۸۶۲ / زانک شد از چار علت لطف تام
ز اسم شاه و شأن او بر یاد ما / جمله بر تاریخ انشا رهنما

دفتر نخستین مشتمل بر ۳ باب است. باب طبیعیات در ۲۸۹ بیت در فصول ارکان، مزاج، اخلاط، اعضا، ارواح، قوت‌ها و افعال قوت‌ها؛ باب ضروریات در ۸۵۷ بیت در فصول هوا، مأكولات و مشروبات، خواب و بیداری، حرکت و سکون، اعراض نفسانی، استفراغ و احتباس؛ باب امراض و اسباب و اعراض در ۲۵۳ بیت در فصول امراض، سبب‌ها، اعراض و تقسیم دلایل در ۶۸۵ بیت سروده شده است.

دفتر دوم مشتمل بر دو باب است. باب اول اندر حفظ صحت در ۴۳۶ بیت در ذکر اصلی کلی بهر حفظ صحت، تدبیر هوا، تدبیر مأكول، تدبیر آب، تدبیر شراب، تدبیر خواب و بیداری، تدبیر ریاضت‌کردن، تدبیر سفر، تدبیر سفر در گرما، تدبیر سفر در سرما، در علاج درماندگی، در علاج شپش، در سفر دریا، تدبیر بچه در شکم، تدبیر بر بدن و ناف و نشستن و خوابانیدن، تدبیر شیردادن و در گهواره‌کردن، اختیارکردن دایه، تدبیر بازکردن بچه از شیر، تدبیر دندان برآمدن و علاج آن، تدبیر بیماری‌های بچگان، تدبیر پیران، تدبیر غذای پیران، تدبیر ملیّنات و مسهلات پیران، تدبیر اندر سده پیران، تدبیر شستن و بوی خوش به‌کار داشتن و تدبیر ناچهان تنظیم شده

است. باب دوم اندر برء علت مشتمل بر دو اصل می‌باشد. اصل اول در ۳۳۴۵ بیت در سه فصل بیماری‌های خاص از سر تا قدم، بیماری‌های عام که عام‌الوقوع‌اند و فصل سوم در بیماری عام که خاص‌الوقوع است تنظیم شده است. فصل سوم مشتمل بر شش جمله است. جمله اولی در اورام و بثور، جمله دوم در جراحات و قروح، جمله سوم در تغییرات سطوح، جمله چهارم در احوال موی، جمله پنجم در احوال کمیت بدن و جمله ششم در تدبیرهای زهرهاست. ابتدا نام بیماری با جوهر قرمز رنگ مشخص شده، سپس علت بیماری و درمان آن ذکر شده است.

سراینده، در باب بیماری‌هایی که بیماری نمی‌گویند، ابیاتی آورده است:

هست احوالی که در طب آورند/ لیک از بیماری تن نشمرند
چار جنس است آن یکی احوال مو/ همچو داء‌الثعلب و جعدی او
ثانیاً آفات رنگ پوست دان/ چون بهق هم خال‌ها و غیر آن
ثالثاً آفات جلد اندر خراش/ چون ثآلیل و قوایی و سواش
رابعاً در سحنه می‌باشد بهی/ همچو فرط لاغری و فربهی

سراینده در وجه تسمیه اندر بیماری‌های گوناگون نیز ابیاتی آورده است:

گاه می‌گویند بر تشبیه قیل/ چون سراطین و ظفر هم داء فیل
که ز حیوان که درو شد بیشتر/ همچو داء‌الثعلب اندر مو ضرر
که ز حیوان که شود همشکل او/ همچو داء‌الحیه رفته جمله مو
که ز حیوان که شود چهره چنان/ صورتش داء‌الاسد شود ورا زان
گاه نامش از محلش عادیه/ همچو ذات‌الجنب و هم ذات‌الریه
گاه نامش از سبب صورت بیست/ گویمش بیماری سوداوی‌ست
گاه نامش از عرض شد اتفاق/ همچو صرع و سکت و ضیق و خناق
گاه باشد از طبیبش در فیال/ ریش حیرونی شده و بر امثال
گاه نامش از اضافات بلاد/ ریش بلخی صورتش بر اعتداد

اصل دوم در ۱۰۹۰ بیت و در تدبیر کلی اندر علل است. مندرجات این اصل به این شرح است: ذکر تدبیرهای غذایی، ذکر تدبیرهای دوائی، در بیان درجات ادویه، در بیان افعال

ادویه، در بیان اوصاف ادویه، در مسهلات، مُقِیَّات، مسکِّنات، قی، مُدِرَّات، مُعَرِّقات، عطوسات، سعوطات، در قطورات، در قابضات، حابسات، قاطعات رطوبات و عرق، مُجَفِّقات بی رنج، جاذبات اخلاط، مقطعات اخلاط، مفتحات اخلاط، محللات ریح، مفتحات افواه عروق، دافعات سنگ و مفتتات، قاتلات دیدان و مخرجات حبّ القرع، جالیات، مقرحات و معفئات، آكلات لحم زاید، منقیات قروح و سخته، مذملات ریش‌ها، نافعات، منضجات، در محللات اورام، در ملیّات صلابت، در محللات صلابت، در مفجرات دما میل، در مسکِّنات، در مقویات، در دافعات، در نافعات، در مزیلات، مقویات، مرقدات و ذکر طریق معالجات.

گفتار دوم در ۴۶۹ بیت در کار دست است. فصل اول در کارهای دست اندر رگ‌ها، فصل دوم در کارهای دست اندر گوشت در موضوعات در ارسال علق، در شرط و حجامت، در بیان آن‌که شرط حجامت چگونه باید کرد، در کارهایی که اندر حجامت رعایت او واجب است، در خاریدن، در شکافتن، در بیان قاعده اندر شکافتن آماس‌ها، در بریدن، در بیرون آوردن تیر و آبگینه و خار، در کارهای سوزن، در داغ کردن. فصل سوم در کارهای دست اندر استخوان در موضوعات شکستگی اندام‌ها از سر تا پای می‌باشد. در این فصل به ثجه، کسر در بینی، کسر اللحی، کسر اطراف کتف، در میان سینه افتد شق کثر، انکسار ضلع، انکسار فقره، انکسار عضد، در ذراع افتد سه گونه انکسار، استخوان رسغ، انکسار معصم، انکسار استخوان، انکسار فلکه الركبه، انکسار ساق، انکسار کعب، استخوان پای و انگشتان پا، خلع اللحی، خلع ترقوه، خلع منکب، خلع مرفق، خلع کوع و دیگر انگشتان دست، مهره‌های پشت بیرون آمدن، خلع عصعص، بندگاه ران برون آید ز جا، خلع رکبه، فلکه الركبه، خلع کعب و خلع انگشتان پا اشاره شده است (۱۸).

آرایه‌های ادبی اثر

حلیمی الآماسی در این اثر به وفور از واژه‌های عربی استفاده کرده است و همین امر، موجب شده تا بتواند هنر خود در آرایه‌های بدیعی را به نمایش بگذارد. در متون ادبی،

آرایه‌ها به دو بخش لفظی و معنوی تقسیم می‌شوند. در این بخش شماری از هنرنمایی‌های صاحب این منظومه به تفکیک ذکر می‌شود:

الف) آرایه‌های لفظی

جناس تام:

باغ فردوس است پر حُورِ قصور / ار نمی‌بینی ز خود بین آن قصور
یا ز بادی یافته رگ انحراف / یا ز بادی بی‌شکافست اندفاق

جناس زائد:

پس علاج او عِلَاجاتِ سبب / رَوِ بیابِ هر یک آنجا طِبْ طَلَبُ
اِئِمد و آبِ سکنگور آمده / هم بیاض بیض و کافور آمده
لیک بهر هضم غیرمنهضم / تخمه را خواب دراز آمد مهم

جناس خط:

در سکون ار چه سخون اکثر بود / لیک از تحلیل مانع تر بُود

جناس لاحق:

حُمَرَه وُ جَمَرَمَغْزَش وَاِرْدَسْت / اندرون چون نار و بیرون باردست
صوم و نوم او را کفایت می‌کنند / خوش تدابیر استقامت می‌کنند

لف و نشر:

از یمین سر نکو پای یمین / وز یسار آن، یسار این پای همین
فصد دست راست بهر پای راست / فصد چپ از بهر چپ شد رای راست

ملمع:

اصل‌های چند گویم در علاج / فانتیج بالرای خیر الانتیاج
همت ترطبیب کن با هر جهت / عِبْرَةُ الْأَضْدَادِ أَمْرٌ قَدْ ثَبَّتْ

ب) آرایه‌های معنوی

در این اثر، آموزشی و علمی آرایه‌هایی مانند تضاد، تضمین، تلمیح، ملمع، تشبیه، استعاره، کنایه و حتی ایهام نیز در ساختار ادبی بیت‌ها مشاهده می‌شود و البته این امر نه تنها موجب دورافتادن کلام از صراحت نشده، بلکه به درک بهتر محتوا کمک کرده است:

تضاد:

هم ذهاب افتد ز تأثیر ظلام / چون به تاریکی بود طول مقام

تلمیح:

هان مشو در ماهتاب اکثر بخواب / می‌کند تن را چو کتان ماهتاب

تشبیه:

قرحه‌اش همچون قلاع اندر دهان / چون نواصیر دگر ناصور آن
خرد را دیدن بزرگ از جسم تر / در میان همچون در آب افتاده زَر
حُمَرَه وُ جَمَرَمَغْزَش وَاِرْدَسْت / اندرون چون نار و بیرون باردست

استعاره:

بر نشان ساکن ورا بر استناد / کرده گرداگرد مَسْنَد از مخاد
خواب خالی‌المعده گرداند نحیف / هم کند نارِ الهی را ضعیف
چون پس از شش ماه بود او مُسْتَمِر / شد دروغ اخبار آب ای مختبر

منابع مورد استفاده حلیمی آلاماسی در تألیف گلشن

زیبا

حلیمی آلاماسی در این کتاب از دانشمندان پیشین چون بقراط، جالینوس، روفس، فولس و افلاطون یاد کرده است (۱۸). او توضیحاتی در خصوص برخی ابیات و اصطلاحات پزشکی در حاشیه آورده و گاهی معنای برخی از کلمات را در حاشیه یا زیر کلمه نگاشته است، درواقع سراینده کوشیده مطالب کتاب برای خوانندگان آسان و قابل فهم باشد (۱۸). در حاشیه و توضیح برخی واژه‌ها و ابیات، از آرای دانشمندانی چون علی‌بن عباس اهوازی، پزشک سده ۴ ه‍.ق، ابوالحسن ترنجی، پزشک سده ۴ ه‍.ق، نجیب‌الدین سمرقندی، پزشک سده ۶ و ۷ ه‍.ق و اشعار ابوعبدالله جعفر بن محمد رودکی، شاعر سده ۴ ه‍.ق، یاد شده است (۱۸)؛ به‌طور مثال:

• برای توضیح واژه «خاصه عقب» در ابیات:

گه بپا خاصه عقب افتاد درد / کز خلیدن ناتوان افتاد مرد
گرچه این در عرف آب نازلست / انصباب خلط تیز و سالیست
در علاج او چه گردد آن ورم / مایه آنجا مجتمع گردد بهم

در حاشیه چنین آمده «این علت را نجیب‌الدین سمرقندی در اثنای امراض سطحی آورده بود».

برای توضیح «خواب جالینوس» در بیت:

در صرام این دو رگ بر اعتماد/ خواب جالینوس گیرند یاد
در حاشیه چنین آمده «چنانکه ابوالحسن الترنجی در مقاله فصد می‌گوید جالینوس را اندر جگر دردی بود و مدتی علاج کرد پس در خواب که او را فرمودند که این شریان را از دست ببرید، شفا یافت».

• در توضیح «در ارسال علق» در حاشیه چنین آمده: «قال علی بن عباس المجوسی فی کامل الصناعه و یجب علی الاکثر ان یفصد ان کانت العله و دمویه فی قعر بدن و اما اذا کان الفضل الدموی مما یلی الجلد و قعر البدن فاستفرغه بمص العلق و الفصد اقوی استفراغا من العلق و العلق اقوی من الحجامة و اضعف من الفصد».

• برای توضیح واژه «فژ» در بیت:

در میان سینه افتد شق کژ/ در کنار و گوشه افتد رص فژ
در حاشیه چنین آمده «چنانکه رودکی که گفت وین فژه پیر ز بهر تو مرا خوار گرفت/ برهاناد ازو ایزد جبار مرا».

نتیجه‌گیری

منظومه گلشن زیبا در یک مقدمه و دو دفتر سروده شده و مشتمل بر طب نظری و عملی است. طب نظری به چگونگی عملکرد و تغییرات بدن انسان و عوامل مؤثر بر آن می‌پردازد که چگونه به سلامتی یا بیماری منجر می‌شود. طب عملی شامل روش‌هایی است که برای حفظ سلامتی (حفظ الصحة) یا بازگرداندن سلامتی (علم معالجات) به کار می‌روند. علم معالجات شامل سه بخش تدبیر با غذا، تدبیر با دارو و اعمال یدای مانند جراحی، ماساژ، حجامت و فصد است. حلیمی آلماسی در منظومه گلشن زیبا، این موضوعات را با مهارت ستودنی به نظم درآورده است. بارزترین ویژگی این منظومه، بیان کوتاه و فشرده طب در قالب اشعاری روان و قابل حفظ است. مصطفی ارکان با استناد به نسخه شماره ۳۶۳۹ کتابخانه فاتح، نسخه طب گلشن زیبا را در سه باب طبیعیات، ضروریات و امراض معرفی کرده است (۱۳). پژوهش‌های

دیگر نیز محتوای کتاب را در این سه باب گزارش کرده‌اند (۲۲، ۲۳)، اما یافته‌های این پژوهش با استناد به نسخه شماره ۳۶۳۹ کتابخانه فاتح نشان می‌دهد، نسخه طب گلشن زیبا در یک مقدمه و دو دفتر سروده شده است. دفتر نخستین کتاب مشتمل بر سه باب طبیعیات، ضروریات و امراض می‌باشد. دفتر دوم در عمل مختار و مشتمل بر دو گفتار است. گفتار نخستین از دفتر عمل به شکل دو باب مفصل تنظیم شده و باب اول اندر حفظ صحت، باب دوم اندر بره علت که حاوی دو اصل است. گفتار دوم در کار دست و مشتمل بر سه فصل می‌باشد. فصل اول در کارهای دست اندر رگ‌ها، فصل دوم در کارهای دست اندر گوشت و فصل سوم در کارهای دست اندر استخوان (۱۸).

از این اثر در فهرس مخطوطات الطب الاسلامی باللغات العربیه و التریکیه و الفارسیه فی مکتبات ترکیه و فهرست نسخ کتابخانه فاتح با عنوان منظومه فی الطب یاد شده است (۴، ۱۸). استناد حلیمی به آرای دانشمندانی چون علی بن عباس اهوازی، ابوالحسن الترنجی و نجیب‌الدین سمرقندی حاکی از منابع غنی این اثر است. به نظر می‌رسد حلیمی آلماسی در سرودن این منظومه از دانش پزشکی و ادبی کافی برخوردار بوده است.

تضاد منافع

در این مقاله تضاد منافی برای گزارش وجود ندارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. Hesiod

۲. Empedocles

۳. Virgil

۴. آماسیه: شهری در شمال آناتولی (جمهوری ترکیه)

۵. توقات: شهری در شمال ترکیه، در منطقه پونتیک (۴۰°۲۰' عرض شمالی، ۳۶°۳۵' طول شرقی)، که اکنون مرکز اصلی ایل یا استانی به همین نام است.

۶. شرف‌الدین صابونچی اوغلی کاتب این نسخه، از پزشکان برجسته قلمرو عثمانی و رئیس دارالشفای آماسیه است. از آثار او می‌توان کتاب جراحیه/یلخانیه و اقربادین به

زبان ترکی را نام برد. به نظر می‌رسد او در زمینه‌ی جراحی صاحب‌نظر بوده است. صابونچی، طبقه‌بندی فصل سی‌ام، بخش جراحی از کتاب *التصریف لمن عجز عن التألیف* زهراوی را اقتباس کرده و قسمت بیشتر آن را به ترکی برگردانده است، اما به گفته‌ی اوزل، *جراحیه/یلخانیه* ترجمه‌ی صرف نبوده و دارای نوآوری‌های بسیار است. در دوره‌ی صابونچی اوغلی، زبان علم، عربی و فارسی بود، اما او کتابش را برخلاف عرف آن دوره به ترکی نگاشت. *قرباذین*، دیگر اثر او، ترجمه‌ی قربادین بخش پایانی کتاب

ذخیره‌ی *خوارزمشاهی* اثر جرجانی است.
 ۷. کبیکج معرب کلمه‌ی فارسی کبیکگ (کبیکه) است که به صورت کبیکنج نیز به کار می‌رفت. وجود واژه «کبیکج» در برگ نخست یا انتهای کتاب، یکی از جنبه‌های جالب توجه در نسخ خطی اسلامی است که به صورت تکرار «یا کبیکج» و گاهی به صورت «یا کبیکج حفظ الورق» (ای کبیکج این ورق را حفظ کن) می‌آید. این اعتقاد وجود داشته است که اگر واژه «کبیکج» در ابتدای کتاب نوشته شود، موریانه به کتاب آسیب نخواهد رساند.

References:

1. Sadeghzadeh A. Providing manuscripts in Iran: Necessity, methods, problems and strategy. *Librarianship and Information Organization Studies*. 2019 Feb 20;29(4):119-42.
2. Kamaladdini SMB. The precious heritage of Persian literature in Kazakhstan. *Mirror of Heritage*. 2008;6(3):299-304.
3. Ebadi M. The effective factors in the development of Madrasas in the Ottoman lands (Classic Period 8-10 AH). *Iranian Journal for the History of Islamic Civilization*. 2010 Dec 22;43(1):81-108.
4. Sesen, R, Akpinar C, Izgi C, Ihsanoglu E. *Fihris Makhfūṭāt al-Tibb al-Islāmī fī Maktabāt Turkīyā*. Research Institute for Islamic & Complementary Medicine, Iran University of Medical Sciences; 2008. P:228. [In Arabic].
5. Razmdjou H. Literary types and their works in Persian language. Mashhad: Astan Quds Razavi Publications; 1995. P:48. [In Persian].
6. Farshidvard Kh. About literature and Literary Criticism. Tehran: Amir Kabir; 1984. P:102. [In Persian].
7. Kafafi MA. *Fi al-Adab al-Muqaran*. Beirut: Dar al-Nahda al-Arabiya; 1971. P:240. [In Arabic].
8. Amin SH. Compendiums in traditional medicine: In verse in Persian and Arabic. Tehran: Publications of Encyclopedia of Iranology; 2010. P:20-21. [In Persian].
9. Taji Nasrabadi M. Al-Urjuza fi al-Tibb, in medical encyclopedia of Islam and Iran. Tehran: Amir Kabir; 2011. [In Persian].
10. Hakim Meysari. Daneshnama Meysari (Meysari's Encyclopedia of Medical Sciences). Tehran: McGill's Institute of Islamic Studies, Tehran Branch Publications; 1987. P:8-10. [In Persian].
11. Kamalvand M, Yalameha A, Mahmoodi M. Versified medicine by Abdol-Karim Aaraj known as "Ajzi" (8th c). *Medical History*. 2019;10(37):89-102.
12. Bursali MT. Osmanli Muellifleri. Istanbul: Amereh; 1923. Vol.1, P:236. [In Turkish].
13. Erkan M. Halimi Lutfullah. Istanbul: TDV Islam Ansiklopedisi; 1997. C.XV, P:341-343. [In Turkish].
14. Tashkubri Zadah A. *Al-Shaqaqiq al-Numaniyya fi Ulama al-Dawla al-Uthmaniyya*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi; 1975. P:386. [In Arabic].
15. Uzuncarsili IH. *Osmanli tarihi*. Ankara: 1998. Vol.2, P:597-600. [In Turkish].
16. Haji Khalifah. Kashf al-Zunūn 'An Asāmī al-Kutub wa al-Funūn. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi; 1999. Vol.2, P:225,1315,1246. [In Arabic].
17. Riahi MA. Persian language and literature in the Ottoman Empire. Tehran: Pajhang Publications. 1990. P:214. [In Persian].
18. Halimi L. Manzouma fi Tibb. Turkey, Istanbul: Fatih Library; Handwritten Number 3639. P:47-48,179,245,254,4-254. [In Persian].
19. Chetin A, Moghadam AR. Mofradat: The oldest Persian grammar In Anatolia (A work on the proper metod of teaching Persian). *History of Literature*. 2009;2(1):53-72.
20. Vahed A, Akrami MJ, Samandari M. The influence of Persian language and literature on Othman Divani literature. *Journal of Persian Language & Literature (Former Journal of the Faculty of Literature, University of Tabriz)*. 2015 Dec 22;68(231):137-55.
21. Ahmadi M.H. Hubaysh-i Tiflisi, in the great Islamic encyclopedia. Tehran: The Centre for the Great Islamic Encyclopedia; 2013. Vol.20. [In Persian].
22. Katebi A. Halimi, in encyclopedia of the world of Islam. Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation; 2010. Vol.14, P:62-63. [In Persian].
23. Eliacik M. Lutfullah Haliminin tecnis, mecaz ve tesbihler uzerine risalesi. *Idil Sanat ve Dil Dergisi*. 2013;2(08):52-64.



Introducing the medical manuscript "Golshan Ziba"

Afsaneh Bonyadi^{a,b}, Hooshang Khosrobeigi^{a*}, Jamshid Noroozi^c, Masoumeh Mahmoudi^d, Rasool Arabkhani^a

^aDepartment of History, Payame Noor University, Tehran, Iran

^bDepartment of Medical History, Traditional and Complementary Medicine Research Center, Addiction Institute, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran

^cDepartment of History, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran

^dDepartment of General Education, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran

Abstract:

Manuscripts are considered as one of the cultural-historical worthy works and the main elements of cultural identity of every culture and country. Investigating these works brings about enrichment of cultural, historical and scientific backgrounds. Accordingly, the aim of this study is to introduce the Ottoman territory Iranian physician Hilmi al-Amasi and his work, the medical manuscript of *Golshan Ziba*. This study was conducted by library method and literature review. Initially, the biography of Hilmi al-Amasi was studied using first-hand sources and manuscripts. Subsequently, the structure and content of the medical manuscript *Golshan Ziba* were investigated and extracted. Hilmi al-Amasi is a lexicographer, jurist, and poet of the 9th century in Ottoman realm. He was educated by Serefeddin Sabuncuoglu and wrote compilations in Turkish, Arabic and Persian languages and he offered the *Golshan Ziba* medical poetic to Fatih Sultan Mehmed. In this work, Hilmi has mentioned Iranian physicians such as Ali ibn al-Abbas al-Ahvazi, Abu al-Hasan al-Tabari al-Taranji, and Najib ad-Din Samarqandi. It seems that Hilmi al-Amasi has had enough medical and literary knowledge to compose this book.

Keywords: History of Medicine, Medical Manuscript, Ottoman Empire

Corresponding Author: Kh_beagi@pnu.ac.ir